

ارزیابی مقایسه‌ای میزان تحلیل رفتگی تحصیلی دانش‌آموزان مدارس عادی و هوشمند شهرستان سنندج

ابراهیم آریانی^{۱*}، بی بی عشرت زمانی^۲، هیرو سلیمانی^۳، ریحانه عباس پور^۴، بهزاد مرادی^۵

(۱) دانشجوی دکتری رشته مدیریت آموزشی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران

(۲) دانشیار گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

(۳) کارشناسی ارشد رشته روانشناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد مهاباد، مهاباد، ایران

(۴) کارشناسی ارشد آموزش و بهسازی منابع انسانی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل،

ایران kaniarsini57@gmail.com

(۵) کارشناسی ارشد آموزش و بهسازی منابع انسانی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل،

ایران zhwan13@gmail.com

*نویسنده مسئول: e.aryani.sh@gmail.com

تاریخ پذیرش مقاله ۹۸/۱۱/۱۲

تاریخ دریافت مقاله ۹۷/۰۲/۰۸

چکیده

پژوهش حاضر با هدف ارزیابی مقایسه‌ای میزان تحلیل رفتگی تحصیلی دانش‌آموزان مدارس عادی و هوشمند شهرستان سنندج انجام گرفت. روش پژوهش از نظر هدف: کاربردی و از نظر تکنیک تحلیلی؛ توصیفی بود. جامعه آماری شامل تمامی دانش‌آموزان دبیرستان‌های عادی و هوشمند شهرستان سنندج در سال تحصیلی ۹۵-۹۶ بود. روش نمونه‌گیری از نوع تصادفی ساده بود و با توجه مدل کوکران تعداد ۳۷۶ نفر به عنوان نمونه انتخاب شدند. برای جمع‌آوری اطلاعات از پرسشنامه تحلیل رفتگی تحصیلی مسلش (۱۹۸۴) استفاده شد. در نهایت داده‌های گردآوری شده در محیط نرم افزار Spss.v.۲۲ وارد شد و با آزمون t دو گروهی مستقل تجزیه و تحلیل گردید. نتایج نشان داد بین میزان تحلیل رفتگی تحصیلی دانش‌آموزان مدارس عادی و هوشمند تفاوت معنی‌دار وجود ندارد ($P > 0/05$). همچنین بین میزان تحلیل رفتگی تحصیلی دانش‌آموزان دختر و پسر تفاوت معنی‌دار وجود دارد ($P < 0/05$) و دانش‌آموزان پسر نسبت به دانش‌آموزان دختر تحلیل رفتگی تحصیلی بیشتری دارند. با توجه به یافته‌ی این تحقیق و با نظر به پیامدهای منفی تحلیل رفتگی تحصیلی، ضرورت دارد مسئولین مدارس در خصوص کاهش تحلیل رفتگی تحصیلی دانش‌آموزان اقدام جدی در دستور کار قرار دهند و در این راستا به تفاوت‌های جنسیتی دانش‌آموزان توجه نمایند.

کلید واژه‌گان: تحلیل رفتگی تحصیلی، دانش‌آموزان، مدارس عادی، مدارس هوشمند

مقدمه

مسائل اقدام نماید. در این فرایند، تمام نهادهای جامعه نقش دارند، ولی نقش اساسی را آموزش و پرورش بر عهده دارد. مهم‌ترین مؤلفه در آموزش و پرورش «فرایند یاددهی و یادگیری» هست. پیشرفت فناوری اطلاعات و ارتباطات و تأثیر آن بر علوم یاددهی و یادگیری، فرصت‌هایی را برای خلق محیط‌های یادگیری با طراحی

امروزه آموزش و پرورش سازمانی است که خطیرترین نقش را در جامعه ایفا می‌نماید. از طرفی هنجارها و ایده‌ال‌های جامعه را به نسل جدید انتقال می‌دهد و از طرفی دیگر در تلاش است تا متناسب با زمان و همگام با پیشرفت فناوریانه به آموزش و پرورش افراد جامعه و حل

می‌کنند و مشغول به کار می‌شوند، در نظر بگیرند و آموزش‌های خود را متناسب با نیازهای جامعه عرضه کنند (عبدالوهابی و همکاران، ۱۳۹۱). به‌کارگیری ابزار فناوری اطلاعات و ارتباطات، راهکارهای نوینی را در بهبود و توسعه نظام آموزشی ارائه نموده که مدارس هوشمند از نتایج آن است. طرح مدارس هوشمند کمک می‌کند تا با تغییر سنت‌های قدیمی با استفاده از فناوری‌های نوین، آموزش و پرورش در راستای پژوهش محوری به اهداف عالی خود دست‌یابد. مدرسه هوشمند شامل اجزای درهم تنیده‌ای است که به‌منظور برانگیختن حس کنجکاوی دانش‌آموزان و مشارکت فعال آن‌ها طراحی شده تا با هماهنگ نمودن تلاش دانش‌آموزان، معلمان و مدیران، در محیطی جامع و تلفیقی، نسبت به برآورده نمودن تمامی نیازهای آموزشی افراد اقدام نماید (عبادی، ۱۳۹۰).

در سال‌های اخیر، متخصصان تعلیم و تربیت و روانشناسان تربیتی، توجه بیشتری در زمینه عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان و متغیرهای مرتبط با آن‌ها داشته‌اند که در میان آن‌ها راهبردهای یادگیری ابزارهایی مهم برای توانا ساختن دانش‌آموزان در دستیابی به اهداف آموزشی تلقی می‌شوند. یادگیری فراگیران معمولاً به‌وسیله عملکرد تحصیلی آن‌ها موردسنجش قرار می‌گیرد (سیف، ۱۳۹۴) عوامل متعددی، عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان را تحت تأثیر قرار می‌دهند. برخی از این عوامل موجب بهبود عملکرد تحصیلی و برخی دیگر باعث تضعیف عملکرد فراگیران می‌شوند. از جمله عواملی که به شکل منفی بر عملکرد تحصیلی اثرگذار بوده و اخیراً مطالعاتی را در مدارس دانشگاه‌ها به خود اختصاص داده است، تحلیل

خوب، یادگیرنده محور، جالب‌توجه، تعاملی، کارا، انعطاف‌پذیر، معنی‌دار و تسهیل شده فراهم آورده است (عبدالوهابی، مهرعلی زاده، پارسا، ۱۳۹۱). با تحول فناوری اطلاعات، تنها دسترسی به اطلاعات و دانش و مصرف آن را نمی‌توان و نباید غایت در نظر گرفت، بلکه هدف غایی مشارکت در ساختن دانش توسط کاربران است. محیط‌های یادگیری که فناوری اطلاعات و ارتباطات به وجود می‌آورند دارای دو عنصر اساسی تعامل و جو مشارکتی هستند. این محیط‌های یادگیری مشوق جستجو و تحقیق هستند. محیط‌های یادگیری حمایت شده به‌واسطه فناوری اطلاعات و ارتباطات، موقعیت‌های آموزشی را به‌گونه‌ای تنظیم می‌کنند که دانش‌آموزان بتوانند با سایر دانش‌آموزان و معلمان در تعامل بوده و از این طریق از حالت منفعل خارج شوند. در چنین محیط‌هایی دانش‌آموزان با حمایت مداوم و بازخوردهایی که از سایر دانش‌آموزان و معلم دریافت می‌کنند، فعالانه درگیر تفکر هستند. در محیط‌های یادگیری تجهیز شده با فناوری اطلاعات و ارتباطات، معلم متکلم وحده و دانش‌آموزان دریافت‌کننده صرف معلومات و مهارت‌ها نیستند، بلکه دانش‌آموزان به فعالیت‌هایی چون مشارکت در فرایند حل مسئله، تحقیق و تفحص و کاوشگری می‌پردازند. همچنین وظیفه معلم زمینه‌سازی برای کمک به دانش‌آموزان برای تلفیق، ترکیب و تحلیل مطالب و معلومات آموخته‌شده با استفاده از نیروی تفکر خود آن‌هاست مدارس هوشمند با فراهم کردن تنوعی از فناوری اطلاعات و ارتباطات موجبات انگیزه پیشرفت تحصیلی و کاهش فرسودگی آموزشی در دانش‌آموزان را فراهم می‌کنند (نعامی، ۱۳۸۸). مدارس کنونی برای تربیت دانش‌آموزان آماده‌تر برای زندگی شغلی، نیاز به تغییر دارند. مدارس باید شرایطی را که بچه‌ها در آن زندگی

تحصیلی^۱ است (عظیمی، پیری، زوار، ۱۳۹۲، دشت بزرگی، ۱۳۹۵).

تحلیل رفتگی به تغییرات منفی در نگرش، روحیه و رفتار افراد در مواجهه با فشارهای شغلی گفته می‌شود. در این پدیده، فرد از لحاظ هیجانی دچار خستگی شده، نگرش و احساسات منفی نسبت به سازمان پیدا می‌کند و به تدریج در ایفای وظایفش احساس کاهش شایستگی می‌کند. نشانه تحلیل رفتگی نوعاً یک اختلال روانی نیست ولی به آهستگی در طول زمان توسعه یافته و ممکن است واقعاً به یک ناتوانی روانی تبدیل شود (اسچافلی، مازلاچ و مارک^۲، ۲۰۰۴). علیرغم این که تحلیل رفتگی به عنوان اختلال مربوط به محیط کار در نظر گرفته می‌شود (اسچافلی و همکاران، ۲۰۰۲)؛ اما این مفهوم برای موقعیت‌های مربوط به مدرسه و تحصیل نیز می‌تواند مفید باشد. می‌توان گفت که موقعیت‌های آموزشی به عنوان محل کار فراگیران محسوب می‌شود، اگرچه فراگیران در موقعیت‌های آموزشی، به عنوان کارمند، کار نمی‌کنند یا شغل خاصی در آنجا ندارند، اما از دیدگاه روان‌شناختی، فعالیت‌های آموزشی و درسی آن‌ها را می‌توان به عنوان یک «کار» در نظر گرفت (سالما آرو، ساوولاین و هولوپاین^۳، ۲۰۰۸).

پژوهشگران بر این باورند شناخت عواملی که می‌تواند مانع تحلیل رفتگی آموزشی شوند، از اهمیت به سزایی برخوردار است (سانتن، هانت، کمپ، همفیل^۴، ۲۰۱۰؛ گلان، سان مارتین، پلو، گینر^۵، ۲۰۱۱). شواهد تجربی نشان داده‌اند یکی از عوامل مرتبط با تحلیل رفتگی

آموزشی، درک دانشجویان از کیفیت خدمات آموزشی دانشگاه می‌باشد (نصیری و همکاران، ۱۳۹۴). همچنین حمایت از استقلال و خود کنترلی نیز می‌تواند تحلیل رفتگی آموزشی را پیش‌بینی کنند (ادیه، واکفیلد^۶، ۲۰۱۱). بر اساس تحقیقات و پژوهش‌های انجام شده می‌توان گفت که تحلیل رفتگی آموزشی در موقعیت‌های آموزشی با ویژگی‌هایی مانند خستگی ناشی از الزامات مربوط به مطالعه، رشد حس و نگرش بدبینانه و بدون حساسیت نسبت به مطالب درسی و نیز احساس پیشرفت شخصی ضعیف در امور درسی و تحصیلی مشخص می‌شود (سالما-ارو، ناتانن^۷، ۲۰۰۵). افرادی که تحلیل رفتگی آموزشی دارند معمولاً علائمی مانند بی‌علاقگی نسبت به مطالب درسی، عدم تمایل در ادامه حضور مستمر در کلاس‌های درس، مشارکت نکردن در فعالیت‌های کلاسی، احساس بی‌معنایی در فعالیت‌های درسی و احساس ناتوانی در فراگیری مطالب درسی را تجربه می‌کنند (نعامی، ۱۳۸۸). بروس^۸ (۲۰۰۹) در پژوهش خود درباره‌ی شناسایی استرس و اجتناب از تحلیل رفتگی تحصیلی نتیجه گرفت که عوامل متعددی مانند نارسایی حمایت اجتماعی، استرس بیش‌ازاندازه و ویژگی‌های شخصیتی افراد می‌توانند باعث تحلیل رفتگی آموزشی شوند. طبق یافته‌های این پژوهش، فراگیرانی که استرس بیش‌ازاندازه و به تبع آن، تحلیل رفتگی آموزشی را تجربه می‌کنند ممکن است علائم هشداردهنده‌ی جسمانی، عاطفی و ذهنی را از خود نشان دهند. پژوهش‌ها نشان می‌دهد که تحلیل رفتگی آموزش‌یاری نظر ویژگی‌ها و پیامدها مشابه تحلیل رفتگی شغلی است. تاپینن تانر،

^۱Academic burnout

^۲Schaufeli, Maslach, Marek

^۳Salmela-Aro, Savolainen & Holopainen

^۴ Santen, Holt, Kemp, Hemphill

^۵ Galan, Sanmartin, Polo, Giner

^۶ Adie. Wakefield

^۷Salmela-Aro, Naatanen

^۸Bruce

اهداف مراکز و مدارس، با توجه به دانش گسترده فناوری اطلاعاتی و ارتباطی امروز، بهره‌وری از تمام امکانات و فناوری‌های غنی در دسترس است. استفاده از فناوری در انجام یادگیری جزء ضرورت‌های اساسی است (دائی‌زاده، حسین زاده، غزنوی، ۱۳۸۹).

اگر تا دیروز آموزش تنها از معلمان و مربیان سود می‌برد و کتاب به‌عنوان اصلی‌ترین منبع اطلاعاتی در امر آموزش محسوب می‌گشت، امروزه آموزش با روش‌ها و ابزارها و محیط‌های جدید ارتباطی روبرو شده است. پیشرفت‌های اخیر در صنعت کامپیوتر و اطلاع‌رسانی؛ ورود و ظهور شبکه‌های اطلاع‌رسانی محلی، ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی به‌ویژه اینترنت، چند رسانه‌ای‌ها، فن‌آوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی، ابزارها و روش‌های جدید را پیش روی طراحان، برنامه‌ریزان و مدیران و مجریان برنامه‌های آموزشی قرار داده است. نفوذ فن‌آوری‌های جدید به مراکز آموزشی (از مدارس تا دانشگاه) و حتی منازل، روابط ساده معلمی و شاگردی را به‌طورکلی دگرگون ساخته است (اسماعیل‌پور، شوکور، نادری فر، ۱۳۸۹).

ایجاد مدارس هوشمند یکی از رویکردهای مهم در استفاده از فناوری در آموزش و پرورش بالأخص جامعه جوان محسوب می‌شود. مدارس هوشمند مدارس توسعه‌یافته‌ای هستند که برای انتقال مفاهیم سستی از ابزارهای فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات کمک می‌گیرند. این ابزارها شامل برنامه‌های رایانه‌ای از جمله به‌کارگیری نرم‌افزارهای کاربردی نظیر اسلاید (پاورپوینت)، واژه‌نگار و صفحات گسترده و امکانات اینترنتی است. در این مدارس کامپیوتر در نحوه تدریس و ارزشیابی تأثیر می‌گذارد و کنترل و مدیریت آن مبتنی بر فناوری کامپیوتر

اجاروی، وانانن، کالیمو و جاپینن^۱ (۲۰۰۹) در تحقیقات خود در مورد فرسودگی به این نتیجه رسیدند که عوامل عمده‌ای در ایجاد تحلیل رفتگی نقش دارند که عبارت‌اند از: کار بیش‌ازحد، فقدان کنترل، فقدان پاداش، فقدان حمایت اجتماعی کافی، تضاد ارزش‌ها و فقدان عدالت و انصاف. آن‌ها همچنین ذکر کرده‌اند که تحلیل رفتگی به‌نوبه‌ی خود منجر به پریشانی ذهنی، اضطراب، افسردگی، ناامیدی، خصومت، شکست، کمبود انگیزش برای انجام وظیفه، ترک شغل، غیبت بیش از اندازه و کاهش بهداشت می‌شود (به نقل از حیدری، مکتبی، ۱۳۹۰).

از آنجا که یادگیری فراگیران، عمدتاً به‌وسیله عملکرد تحصیلی آن‌ها سنجش می‌شود؛ شناسایی متغیر تحلیل رفتگی آموزشی و اثر آن بر عملکرد تحصیلی فراگیران، از کارهای مهم روان‌شناسان تربیتی و دانشجویان این رشته است؛ به‌طوری‌که کنترل تحلیل رفتگی آموزشی دانش‌آموزان، به دلیل بهبود پیشرفت تحصیلی و انگیزش یادگیری آن‌ها ضروری است (برسو و تامیک^۲، ۲۰۱۰). یکی از عواملی که باعث کاهش تحلیل رفتگی یا احیاناً افزایش آن می‌باشد کاربرد فناوری اطلاعات و ارتباطات در امر آموزش است. استفاده از فناوری‌های جدید در عرصه، آموزش و پرورش به‌طور اعم و پیشرفت تحصیلی به‌طور اخص تغییرات مهمی در ماهیت یادگیری دانش‌آموزان به وجود می‌آورد و استفاده بهینه از ظرفیت‌های این فناوری‌ها به یادگیری وسعت و غنای خاصی می‌بخشد. دنیای امروزه نقطه توجه خود را به یادگیری علوم روز معطوف کرده است. لازمه تحقق

^۱Toppinen tanner, Ojaarvi, VaananeN, Kalimo & Jappinen

^۲.Brouwers, Tmic

شود (اسماعیل‌پور و همکاران، ۱۳۸۹). نیومن (۱۹۹۰) معتقد است که فرسودگی تحصیلی در دانش‌آموزان، بنا به دلایلی مختلف، یکی از عرصه‌های مهم پژوهشی در مدارس است. دلیل نخست این است که فرسودگی تحصیلی می‌تواند کلید مهم درک رفتارهای مختلف دانش‌آموزان، مانند عملکرد تحصیلی در دوران تحصیل باشد. دلیل دوم این است که فرسودگی تحصیلی رابطه دانش‌آموزان را با مدارس خود تحت تأثیر قرار می‌دهد و سوم این که فرسودگی تحصیلی می‌تواند شوق و اشتیاق دانش‌آموزان را به ادامه تحصیل، تحت تأثیر قرار دهد. از آنجا که یادگیری فراگیران، عمدتاً به وسیله عملکرد تحصیلی آنها سنجش می‌شود؛ شناسایی متغیر فرسودگی تحصیلی و اثر آن بر عملکرد تحصیلی فراگیران، از کارهای مهم متخصصان تعلیم و تربیت و روان‌شناسان تربیتی و دانشجویان این رشته است؛ به طوری که کنترل فرسودگی تحصیلی دانش‌آموزان، به دلیل بهبود پیشرفت تحصیلی و انگیزش یادگیری آنها ضروری است (برسو و تامیک، ۲۰۱۰). یکی از روشهای کاهش فرسودگی تحصیلی ایجاد انگیزه تحصیلی به کمک انواع شیوه‌ها و روشهای آموزشی است که در قسمت زیر به برخی از پژوهش‌های انجام شده داخلی و خارجی در این ارتباط می‌پردازد.

چارچوب نظری و پیشینه پژوهش

بر اساس نظریه تحلیل رفتگی (اسکافلی و همکاران، ۲۰۰۲) فرسودگی تحصیلی نیز شامل سه مؤلفه خستگی هیجانی^۱، بدبینی^۲ و فقدان کارایی^۳ است. خستگی هیجانی به صورت احساس فشار به‌ویژه خستگی مزمن ناشی از

و شبکه انجام می‌گیرد و محتوای اکثر دروس آن الکترونیکی و سیستم ارزشیابی و نظارت آن هوشمند است. محتوا به شیوه الکترونیک ارائه شده و معلم نقش راهنما را دارد. در این مدارس سعی بر این است تا به کمک فناوری‌های جدید معضلات و مشکلات آموزشی اعم از مشکلات مربوط به کمبود سواد رایانه‌ای، سواد اطلاعاتی، مشکلات مربوط به روش‌های سنتی تدریس معلم حل شود. این مدارس نسبت به مدارس سنتی از فن‌آوری‌های اطلاعاتی بیشتری استفاده می‌کنند (زمانی، قصاب‌پور، جبل‌عاملی، ۱۳۸۹) و پیامدهای آن عبارت‌اند از: افزایش مشارکت عناصر مرتبط با سیستم مدرسه به‌ویژه اولیا، مربیان و دانش‌آموزان و فراهم کردن امکان تعامل هرچه بیشتر آنان با یکدیگر مهم‌ترین هدف یک مدرسه هوشمند است. از طرفی دانش‌آموزان در چنین مدرسه‌ای با فناوری الکترونیکی آشنا می‌شوند و توانمندی فردی خود را از این طریق افزایش می‌دهند. رشد همه‌جانبه در این سیستم یکی دیگر از اهداف موردنظر است چراکه با تسلط به تمام مجموعه و بازخورگیری از روند پیشرفت توسط دانش‌آموزان، آنان به‌خوبی نقاط قوت و ضعف خود را تشخیص می‌دهند؛ و به یاری سیستم به رفع آن تلاش می‌کنند. ایجاد تنوع و خارج شدن از شیوه یکنواخت و سنتی آموزشی از جمله اهدافی است که در صورت اجرای دقیق طرح می‌تواند بازده کاری را در مدرسه افزایش دهد. از جمله مهم‌ترین ویژگی‌های موردنظر در تأسیس مدارس هوشمند این بوده است که دانش‌آموزان با تفکر مستقل و ابزار خلاقیت توانمندی خود را به‌کارگیرند و فضای حاکم موجب به‌کارگیری توانمندی‌های مربیان، معلمان و اولیا برای تقویت آموزش و پرورش گردد و به‌طورکلی محیط مدرسه مشوق یادگیری و باعث ایجاد انگیزه و رغبت

¹exhaustion

²cynicism

³loss of Efficacy

درسی در محل تحصیل خود احساس خستگی فرسودگی تحصیلی دارند.

بی‌علاقگی تحصیلی

مارو^۱ (۲۰۰۲، به نقل از بهزادی، ۱۳۸۳) در بازنگری تعدادی از مطالعات مربوط به فرسودگی معتقد است که مسخ شخصیت معمولاً بعد از خستگی عاطفی روی می‌دهد و در واقع نوعی پاسخ مستقیم به استرس شغلی است. به عبارت دیگر مسخ شخصیت به پاسخهای غیر احساسی، نامربوط و خشن نسبت به مراجعین (خدمات گیرندگان) و همکاران و... با سندرم فرسودگی احساسات منفی و نگرش‌های منفی همراه با سرزنش دیگران اطلاق می‌شود. دانشجویان و دانش‌آموزانی که دچار بدبینی (بی‌علاقگی) تحصیلی هستند گزارش کرده‌اند که از زمان ثبت نام در دانشگاه، علاقه، شور و اشتیاقشان در رابطه با مطالعه کمتر شده است، و اینکه نسبت به سودمندی و فایده‌ی بالقوه مطالعات شان بدبین شده، و نسبت به اهمیت آن دچار تردید هستند (برسو، سالانووا و اسپافلی، ۲۰۰۷).

ناکارآمدی تحصیلی

رابطه بین عدم کارایی فردی با دو بعد دیگر فرسودگی تا حدودی پیچیده تر است. در بعضی از تحقیقات، به نظر می‌رسد که بعد عدم کارایی فردی، نتیجه دو بعد دیگر فرسودگی است ولی در موارد دیگر، این فرضیه مورد تایید قرار نگرفته و تاکی د می‌کند که این مؤلفه‌ها به جای اینکه به صورت زنجیر وار قرار داشته باشند، به طور موازی و به همراه همدیگر رشد می‌کنند (مازلاچ، ۲۰۰۱).

کار بیش‌ازاندازه در فعالیتهای درسی و بدبینی و مسخ شخصیت به صورت نگرش بدبینانه و بی‌تفاوتی نسبت به کارهای مدرسه، فقدان علاقه نسبت به کارهای مربوط به تحصیل و بی‌معنی پنداشتن آن‌ها و بالأخره فقدان کارایی مربوط به مدرسه به حالاتی مانند احساس شایستگی پایین، پیشرفت پایین، و فقدان احساس موفقیت در تکالیف تحصیلی و به‌طور کلی مدرسه بروز داده می‌شود. مفهوم فرسودگی تحصیلی با برخی مفاهیم مانند مشکل خواب، نگرانی و نشخوار ذهنی همپوشی دارد. البته باید دقت نمود وجه تمایز آن‌ها در این است که فشار روانی، خستگی، اضطراب و علائم افسردگی به موقعیت ویژه و خاصی مربوط نیستند اما فرسودگی تحصیلی وابسته به موقعیت خاص است یعنی فرسودگی تنها در موقعیت مدرسه اندازه‌گیری می‌شود (آهولا، هاکانین، ۲۰۰۷).

خستگی تحصیلی

عامل اصلی فرسودگی است و آشکارترین درجه نشانه‌های فرسودگی است. این بعد از فرسودگی شغلی دلالت بر پاسخ اساسی به استرس است. در حقیقت خستگی عاطفی یک بعد مورد نیاز برای تعریف فرسودگی شغلی است و بدون آن مفهوم فرسودگی ناقص است. به بیان دقیق، خستگی عاطفی موجب می‌شود تا کارگران به لحاظ هیجانی و شناختی از کارشان فاصله بگیرند و احتمالاً این راهی برای مقابله با فشارهای کاری است. خستگی عاطفی در واقع وجود احساساتی است که در آن شخص نیروهای هیجانی خود را از دست داده است و قادر به برقراری روابط عاطفی با دیگران نیست (مازلاچ، ۲۰۰۰). دانشجویان و دانش‌آموزانی که دچار خستگی هیجانی هستند، احساس می‌کنند که به صورت هیجانی تحلیل رفته‌اند و بی‌رُمق‌اند، و اینکه در پایان یک روز

¹ Maru.M

به عبارت دیگر موفقیت فردی به احساس کفایت و پیشرفت موفقیت آمیز در کار با افراد اطلاق می‌شود. افرادی که دچار کاهش موفقیت فردی می‌شوند از تلاش‌های حرفه‌ای خود برداشت‌های منفی دارند احساس می‌کنند که در شغل خودشان پیشرفتی ندارند و در کار و تلاش و حرفه خویش نتایج مثبت به همراه ندارند. دانش‌آموزانی که دچار ناکارآمدی آموزشی هستند باور دارند که نمی‌توانند به طور موثر مسایلی را که هنگام مطالعاتشان پیش می‌آید حل کرده، و اعتقاد دارند که مشارکت و سهم موثری در کلاس نداشته و به زعم خودشان دانشجوی خوبی نبوده و اینکه چیزهای جالبی در طول سال تحصیلی یاد نگرفته‌اند (برسو، سالانوا و اسچافلی، ۲۰۰۷).

میکائیلی، افروز و قلی‌زاده. (۱۳۹۱) در پژوهشی به بررسی رابطه خودپنداره تحصیلی و فرسودگی تحصیلی با عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان دختر پرداختند و نشان دادند بی‌علاقگی تحصیلی و خودپنداره تحصیلی قویترین پیش‌بینی‌های عملکرد تحصیلی هستند. نتایج مطالعه حیاتی، عکس‌العینه، حسینی‌آهنگری و ابرقویی (۱۳۹۱) که با هدف بررسی رابطه‌ی ابعاد کیفیت تجارب یادگیری و احساس خودکارآمدی با تحلیل رفتگی تحصیلی فراگیران دانشگاه علامه طباطبایی انجام دادند، حاکی از آن بود که تمامی روابط در سطح مطلوبی معنادار بودند. در همین زمینه پیری و زوار (۱۳۹۲) در تحقیقی به بررسی رابطه فرسودگی تحصیلی و یادگیری خود تنظیمی با عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان دوره متوسطه اردبیل در سال تحصیلی ۸۹-۹۰ پرداختند و نتایج مطالعه ایشان نشان داد که بین ابعاد فرسودگی تحصیلی و عملکرد تحصیلی رابطه منفی و بین یادگیری خودنظم داده و عملکرد تحصیلی

رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. نتیجه تحقیق نعامی (۱۳۸۸) که با هدف تعیین رابطه بین کیفیت تجارب یادگیری با فرسودگی تحصیلی انجام گرفت، نشان داد روابط منفی معنی‌داری بین حیطه‌های کیفیت تجارب یادگیری (منابع، محتوا، انعطاف‌پذیری یادگیری و رابطه استاد-دانشجو) با ابعاد فرسودگی تحصیلی (خستگی تحصیلی، بی‌علاقگی تحصیلی و ناکارآمدی تحصیلی) وجود دارد. همچنین نتایج نشان داد که رابطه استاد-دانشجو بیشترین نقش را در تبیین فرسودگی تحصیلی دارد. آهولا و هاکانین (۲۰۰۷) در تحقیق خود نشان دادند که فرسودگی تحصیلی به افسردگی منجر می‌شود. در همین راستا سالما آرو و ساوولانن (۲۰۰۸) به بررسی عوامل پیش‌بینی‌کننده فرسودگی تحصیلی و درگیری و مشغولیت تحصیلی پرداختند و دریافتند که استرس و خودکارآمدی کلی با فرسودگی و درگیری تحصیلی رابطه دارند. آن‌ها خودکارآمدی و حمایت اجتماعی را به‌عنوان متغیرهای درونی و بیرونی مرتبط با فرسودگی دانشجویان فنی و حرفه‌ای، بیان کرده‌اند و همچنین دریافتند که فرسودگی تحصیلی دانش‌آموزان اثر منفی معناداری بر پیشرفت تحصیلی می‌گذارد به طوری که دانش‌آموزان پسر سطوح بالاتری از فرسودگی را نسبت به دانش‌آموزان دختر داشتند در حالی که تحقیقاتی همچون پیرسون و مارک (۱۹۸۴) و ماسلاچ و جکسون (۱۹۸۴) حاکی از آن بود که بین دانش‌آموزان دختر و پسر از نظر فرسودگی تحصیلی تفاوت معناداری وجود ندارد (به نقل از میکائیلی، افروز و قلی‌زاده، ۱۳۹۱). پژوهش شوارزر و هالوم^۱ (۲۰۰۸) نیز نشان داده است که متغیر فرسودگی تحصیلی بر عملکرد تحصیلی تأثیر منفی به سزایی دارد.

¹ Shwarzer & hallum

با توجه به موارد مذکور و همچنین نظر به اهمیت کلیدی تحلیل رفتگی تحصیلی در تحقیق حاضر به بررسی مقایسه‌ای این در بین دانش آموزان پرداخته شد تا مشخص گردد که آیا بین دانش آموزان مدارس عادی و هوشمند و همچنین بین دانش آموزان دختر و پسر از نظر تحلیل رفتگی تحصیلی تفاوت وجود دارد یا نه؟

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نظر راهبرد اصلی: کمی؛ از نظر راهکار اجرایی: میدانی؛ از نظر هدف: کاربردی و از نظر تکنیک تحلیلی؛ توصیفی بود. جامعه آماری شامل تمامی دانش آموزان دبیرستان های عادی و هوشمند شهرستان سنندج در سال تحصیلی ۹۵-۹۶ برابر با ۲۶۰۱ نفر بود. روش نمونه گیری از نوع تصادفی ساده بود و با توجه مدل کوکران تعداد ۳۷۶ نفر به عنوان نمونه انتخاب شدند. برای اندازه گیری سطح فرسودگی تحصیلی از پرسشنامه فرسودگی تحصیلی مسلش^۱ استفاده شد. این پرسشنامه اصلاح شده مقیاس فرسودگی مسلش فرم عمومی است، که سه حیطه فرسودگی تحصیلی یعنی خستگی تحصیلی، بی علاقه‌گی تحصیلی و ناکارآمدی تحصیلی را می‌سنجد و ۱۵ سوال دارد و شامل سه خرده مقیاس خستگی تحصیلی ۵ ماده (مطالب درسی خسته کننده هستند)، بی علاقه‌گی تحصیلی ۴ ماده (احساس می‌کنم نسبت به مطالب درسی علاقه‌ای ندارم) و ناکارآمدی تحصیلی ۶ ماده (احساس می‌کنم نمی‌توانم از عهده مشکلات درسی بر بیایم) می‌باشد. سطح اندازه‌گیری پرسشنامه ترتیبی و بر اساس مقیاس ۷ درجه‌ای لیکرت می‌باشد. سؤالات این پرسشنامه در جهت مثبت و بعضی در جهت منفی تنظیم شده است. روایی محتوایی این پرسشنامه نیز با نظر چهار تن از

اساتید علوم تربیتی و روانشناسی بررسی و تأیید گردید. برای بررسی پایایی نیز از آلفای کرونباخ بهره گرفته شد که در نهایت مقدار پایایی کلی پرسشنامه $\alpha = 0/93$ و مقدار پایایی مؤلفه خستگی تحصیلی $\alpha = 0/91$ ، بی علاقه‌گی تحصیلی $\alpha = 0/95$ و ناکارآمدی تحصیلی $\alpha = 0/89$ به دست آمد. داده‌های این پژوهش با استفاده از ابزار مداد کاغذی و به صورت میدانی در محیط مدارس (نمونه‌های انتخابی) جمع‌آوری گردید. بدین ترتیب که پس از اطمینان از روایی و پایایی ابزار و ملاحظات اخلاقی از جمله اخذ رضایت از شرکت کنندگان جهت شرکت در تحقیق، محرمانه ماندن اسامی افراد، در دسترس بودن محقق جهت پاسخگویی به سؤالات و کسب مجوز اجرای پژوهش از اداره آموزش و پرورش شهرستان سنندج به توزیع پرسشنامه در بین دانش آموزان اقدام گردید. در نهایت داده‌های جمع‌آوری شده وارد نرم افزار ۲۲ **spss.vs.** گردید و با استفاده از آزمون آماری **t** دوگروهی مستقل سؤالات زیر تجزیه و تحلیل شد:

آیا بین میزان تحلیل رفتگی تحصیلی دانش آموزان مدارس عادی و هوشمند تفاوت معنی دار وجود دارد؟

آیا بین میزان تحلیل رفتگی تحصیلی دانش آموزان دختر و پسر تفاوت معنی دار وجود دارد؟

یافته‌های تحقیق

از بین یافته‌ی توصیفی: در جدول ۱ توزیع فراوانی و درصد ویژگی‌های جمعیت شناختی نمونه پژوهش به‌منظور شناخت ویژگی‌های فردی شرکت‌کنندگان در پژوهش، اطلاعات مربوط به آن‌ها ارائه شده است. در این قسمت به ویژگی‌های توصیفی نمونه به تفکیک جنسیت،

¹ maslach

نوع مدرسه، وضعیت پیشرفت تحصیلی و تعداد دانش‌آموزان کلاس پرداخته شده است.

جدول ۱. حجم نمونه‌ی آماری به تفکیک جنسیت و نوع مدرسه

شاخص	فراوانی	درصد
جنسیت	دختر	۲۷۴
	پسر	۱۰۲
	کل	۳۷۶
نوع مدرسه	عادی	۱۸۸
	هوشمند	۱۸۸
	کل	۳۷۶

اسمیرنف تک نمونه‌ای بررسی شد که نرمال بودن توزیع آن در سطح اطمینان ۰/۹۵ تأیید گردید. سپس با استفاده از آزمون پارامتریک t دو گروهی مستقل، تحلیل مقایسه‌ای انجام گرفت.

سؤال اول: آیا بین میزان تحلیل رفتگی تحصیلی دانش‌آموزان مدارس عادی و هوشمند تفاوت معنی دار وجود دارد؟

براساس داده‌های جدول ۱ از مجموع ۳۷۶ نفر آزمودنی، ۷۲/۹ درصد از پاسخگویان پسر و ۲۷/۱ درصد دختر بودند. همچنین ۵۰ درصد دانش‌آموزان معادل ۱۸۸ نفر در مدارس عادی و ۵۰ درصد نیز در مدارس هوشمند مشغول به تحصیل بودند.

یافته‌ی استنباطی: برای تجزیه و تحلیل سؤالات پژوهش ابتدا نرمال بودن توزیع متغیر تحلیل رفتگی تحصیلی با استفاده از آزمون آماری کولموگروف

جدول ۲. مقایسه‌ی نمره کل تحلیل رفتگی تحصیلی در بین دانش‌آموزان مدارس عادی و هوشمند شهرستان سنندج

متغیر	دانش‌آموزان مدارس عادی			دانش‌آموزان مدارس هوشمند			T	درجه‌ی معنی‌داری (sig)
	تعداد	میانگین	انحراف معیار	تعداد	میانگین	انحراف معیار		
تحلیل رفتگی تحصیلی	۱۸۸	۴۸/۶۱	۱۵/۱۱	۱۸۸	۴۶/۱۳	۱۵/۸۲	۰/۱۶	۰/۱۲

است. همان طور که در این جدول مشاهده می‌شود، نتیجه تحلیل t دوگروهی مستقل نشان می‌دهد بین دانش آموزان مدارس عادی و هوشمند در تحلیل رفتگی تحصیلی ($P=0/12 > 0/05$) تفاوت معنی‌دار وجود ندارد.

سؤال دوم: آیا بین میزان تحلیل رفتگی تحصیلی دانش آموزان دختر و پسر تفاوت معنی‌دار وجود دارد؟

براساس نتایج جدول ۲، ملاحظه می‌شود که میانگین نمره‌ی کل تحلیل رفتگی تحصیلی دانش آموزان مدارس عادی با $48/61$ بیش‌تر از میانگین نمره‌ی کل تحلیل رفتگی تحصیلی دانش آموزان مدارس هوشمند با $46/13$ می‌باشد. همچنین میانگین نمره‌ی کل تحلیل رفتگی دانش آموزان مدارس هوشمند کم‌تر از حد میانگین معیار جامعه

جدول ۳. مقایسه‌ی نمره کل تحلیل رفتگی تحصیلی در بین دانش آموزان مدارس عادی و هوشمند شهرستان سنج

متغیر	دانش آموزان پسر		دانش آموزان دختر		برابری واریانس در لون	T	درجه‌ی آزادی	معنی-داری (sig)
	تعداد	میانگین	انحراف معیار	میانگین				
تحلیل رفتگی تحصیلی	274	48/50	2/45	44/30	102	2/43	46/40	0/01

بحث و نتیجه‌گیری

تحلیل رفتگی تحصیلی یکی از مهم‌ترین مباحث قابل پژوهش در نظام تعلیم و تربیت است و تشخیص متغیرهای مرتبط با آن بسیار حائز اهمیت است. پژوهش درباره‌ی تحلیل رفتگی تحصیلی دانش آموزان می‌تواند به عنوان یکی از حیطه‌های آینده‌دار تحقیق در بخش آموزش و پرورش پدیدار گردد و یک عامل کلیدی در فهم دامنه‌ی گسترده‌ای از رفتارهای دانش آموزان در طول سال‌های تحصیلی آن‌ها باشد. همچنین تحلیل رفتگی تحصیلی می‌تواند بر روابط آتی دانش آموزان با مدرسه خود تأثیرگذار باشد و شناخت عوامل و متغیرهای مؤثر بر بروز تحلیل رفتگی تحصیلی دانش آموزان می‌تواند باعث رشد و یادگیری بیشتر آنان، کاهش بروز تحلیل رفتگی تحصیلی و در نتیجه ارتقا سلامت روانی آنان گردد. با نظر به موارد

براساس نتایج جدول ۳، ملاحظه می‌شود که میانگین نمره‌ی کل تحلیل رفتگی تحصیلی دانش آموزان پسر با $48/50$ بیش‌تر از میانگین نمره‌ی کل تحلیل رفتگی تحصیلی دانش آموزان دختر با $44/30$ می‌باشد. همچنین میانگین نمره‌ی کل تحلیل رفتگی دانش آموزان دختر کم‌تر از حد میانگین معیار جامعه است. همان طور که در این جدول مشاهده می‌شود، نتیجه تحلیل t دوگروهی مستقل نشان می‌دهد بین دانش آموزان دختر و پسر در تحلیل رفتگی تحصیلی ($P=0/01 < 0/05$) تفاوت معنی‌دار وجود دارد. با نظر به بیش‌تر بودن میانگین تحلیل رفتگی تحصیلی پسران، می‌توان گفت دانش آموزان پسر نسبت به دانش آموزان دختر تحلیل رفتگی تحصیلی بیشتری دارند.

هوشمند انجام می‌گیرد ترجیح می‌دهند. از این رو نوع مدارس عادی و هوشمند باعث تفاوت میزان تحلیل رفتگی دانش‌آموزان نشده و میزان تحلیل رفتگی تحصیلی دانش‌آموزان در هر دو مدرسه مشابه است.

نتیجه تجزیه و تحلیل سوال دوم پژوهش مبنی بر اینکه آیا بین میزان تحلیل رفتگی تحصیلی دانش‌آموزان دختر و پسر تفاوت معنی‌دار وجود دارد؟؛ نشان داد میزان فرسودگی تحصیلی دانش‌آموزان پسر بیشتر از دانش‌آموزان دختر است. این یافته با نتیجه مطالعه سالما آرو و ساوولانن (۲۰۰۹) که به بررسی عوامل پیش‌بینی کننده فرسودگی تحصیلی و درگیری و مشغولیت تحصیلی پرداختند و دریافتند دانش‌آموزان پسر سطوح بالاتری از فرسودگی را نسبت به دانش‌آموزان دختر دارا می‌باشند، همخوان و همسو است و با نتایج تحقیقاتی همچون پیرسون و مارک (۱۹۸۴) و ماسلاچ و جکسون (۱۹۸۴) که نشان دادند بین دانش‌آموزان دختر و پسر از نظر فرسودگی تحصیلی تفاوت معناداری وجود ندارد، ناهمخوان است. یکی از موضوعاتی که در پیشینه مربوط به تحلیل رفتگی تحصیلی به چشم می‌خورد، تفاوت‌های جنسیتی در این سازه است. یافته حاضر نشان داد که پسران به نسبت دختران میزان بیشتری تحلیل رفتگی تحصیلی دارند. در تبیین این یافته می‌توان گفت دختران در مقایسه با پسران اهمیت بیشتری به پیشرفت تحصیلی می‌دهند و از پسران عملکرد تحصیلی بالاتری دارند و استرسی که در زمینه پیشرفت تحصیلی دارند، باعث می‌شود دختران بیشتر تلاش کنند و در نتیجه میزان تحلیل رفتگی تحصیلی کمتری داشته باشند. از این رو یافته تحقیق حاضر معقول و منطقی به نظر می‌رسد.

مذکور در تحقیق حاضر به ارزیابی مقایسه‌ای میزان تحلیل رفتگی تحصیلی دانش‌آموزان مدارس عادی و هوشمند اقدام گردید. نتیجه تجزیه و تحلیل سوال اول تحقیق مبنی بر اینکه آیا بین میزان تحلیل رفتگی تحصیلی دانش‌آموزان مدارس عادی و هوشمند تفاوت معنی‌دار وجود دارد؟؛ نشان داد تفاوت معنی‌دار میان میزان فرسودگی تحصیلی دانش‌آموزان مدرسه هوشمند با مدارس عادی وجود ندارد. این یافته با نتایج تحقیق زارعی زوارکی و ملازادگان (۱۳۹۳) همسو و همخوان است. این یافته می‌تواند بیانگر این نکته باشد که حداقل اختصاص امکانات تکنولوژی آموزشی در ارتقای انگیزه دانش‌آموزان دبیرستانی شهر سنندج تأثیری نداشته است. به نظر می‌رسد یکی از دلایلی که باعث شده مدارس هوشمند در مقایسه با مدارس عادی از نظر ایجاد انگیزه و فرسودگی تحصیلی تفاوت قابل توجهی نداشته باشند؛ این امر باشد که امروزه همه‌ی مدارس حتی مدارس مناطق محروم، نیز از فناوری‌ها و تکنولوژی‌های آموزشی بهره‌مند هستند و مدرسی که بتوان گفت تمام هوشمند و یا کاملاً عادی و سنتی هستند یافت نمی‌شود. حتی امروزه در روستاها و مناطق پایین شهر که به نسبت مدارس بالای شهر محروم‌تر هستند نیز از فناوری‌های آموزشی بهره‌می‌گیرند در واقع مدارس عادی نیز خود به نوعی هوشمندند اما در سطحی پایین‌تر. دلیلی دیگر نیز می‌تواند معلمان این مدارس باشد زیرا آموزش معلمان در دو نوع مدارس یکسان بوده و دوره‌های تربیت معلمی که به آموزش فناوری‌ها و تکنولوژی‌ها به طور اخص باشد را ندیده‌اند. همچنین دوره‌های ضمن خدمت معلمان مدارس هوشمند و عادی از نظر محتوا نیز یکسان می‌باشد و معلمان با وجود تکنولوژی‌های آموزش به دلیل سهولت روش‌های سنتی، این روش‌ها را بر روش‌هایی فعالی که در مدارس

پنجمین کنفرانس ملی و دومین کنفرانس بین المللی یادگیری و آموزش الکترونیکی، تهران.

- بهزادی، حیدر (۱۳۸۳). مقایسه راهبردهای مقابله‌ای با فرسودگی شغلی و استرس شغلی پرستاران زن شاغل در بخش‌های ویژه و عادی بیمارستان‌های تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه علامه طباطبائی تهران.

- حیاتی، داوود؛ عگبهی، عبدالحسین؛ حسینی آهنگری، سیدعابدین؛ ابرقویی، محسن (۱۳۹۱). بررسی رابطه ابعاد کیفیت تجارب یادگیری و احساس خودکارآمدی با فرسودگی تحصیلی دانشجویان دانشگاه علامه طباطبائی، فصلنامه توسعه آموزش جنبدی شاپور، ۳(۴): صفحه ۱۸-۲۹.

- حیدری، سکینه؛ مکتبی، غلامحسین (۱۳۹۰). مقایسه هوش فرهنگی، احساس تنهایی، فرسودگی تحصیلی و سلامت روان در دانشجویان دختر کارشناسی ارشد بومی و غیربومی، فصلنامه زن و فرهنگ، ۳(۹): صفحه ۴۵-۵۷.

- دائی زاده، حسین؛ حسین زاده، بابک؛ غزنوی، محمدرضا (۱۳۸۹). بررسی نقش (ICT) بر عملکرد تحصیلی دانش آموزان دوره متوسطه، فصلنامه رهبری و مدیریت آموزشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار، ۱۱(۴): صفحه ۸۱-۹۷.

- دشت بزرگی، زهرا (۱۳۹۵). رابطه تعلل ورزی و کمال گرایی تحصیلی با فرسودگی تحصیلی و عملکرد تحصیلی، فصلنامه راهبردهای آموزش در علوم پزشکی، ۹(۲): ۳۴-۴۱.

- زارعی زوارکی، اسماعیل؛ ملازادگان، علی (۱۳۹۳). مقایسه میزان انگیزه دانش آموزان پایه پنجم ابتدایی مدارس هوشمند با مدارس عادی، فصلنامه فناوری آموزش، ۸(۳): صفحه ۲۰۵-۲۱۴.

در نهایت با توجه به یافته پژوهشی حاضر پیشنهاد می‌گردد مسئولین مدارس در خصوص کاهش تحلیل رفتگی تحصیلی دانش آموزان بایستی به متغیرهای مختلف توجه نمایند. همچنین پیشنهاد می‌گردد مدارس هوشمند و تأثیر آن در آموزش و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان، انگیزه تحصیلی و اشتیاق تحصیلی که به نظر می‌رسد از عوامل مهم و تأثیرگذار اصلی بر آموزش و عملکرد تحصیلی است مورد بررسی و پژوهش قرار گیرد. از محدودیت‌های اصلی این پژوهش در جریان جمع‌آوری داده‌ها، عدم نمونه‌گیری کاملاً تصادفی بود. با توجه به این‌که داده‌ها با استفاده از ابزار مداد- کاغذی و در محیط مدارس جمع‌آوری گردید علیرغم توزیع زمانی جمع‌آوری به زمان‌های مختلف، باز دانش آموزانی هستند که در محیط مدرسه حضور نمی‌یابند از جمله‌ی این افراد می‌توان به دانش آموزان با شرایط خاص هم‌چون دانش آموزان غایب در سر کلاس در هنگام جمع‌آوری داده و ... اشاره نمود و امکان جمع‌آوری الکترونیکی داده‌ها از این قبیل افراد نیز با توجه به برخی مسائل اداری و محرمانه بودن آدرس آنان مقدور نبود. محدودیت دیگر پژوهش عدم کنترل میزان خودآگاهی دانش آموزان به تحلیل رفتگی تحصیلی خودشان است که احتمال دارد دانش آموزانی در جمع پاسخگویان باشند که تسلط و آگاهی به میزان تحلیل رفتگی تحصیلی خود را نداشته باشند و مشکلات ناشی از عدم آشنایی خود را به حساب تفاوت نوع مدارس یا نوع جنسیت بگذارند.

منابع

- اسماعیل پور، منصور؛ شوکور، زرینا؛ نادری فر، وحیده (۱۳۸۹). بررسی میزان افت پیشرفت تحصیلی در هنگام ایجاد مدارس هوشمند با استفاده از الگوریتم ژنتیک،

ارشد دانشگاه شهید چمران اهواز، مجله مطالعات روانشناختی، ۵(۲): صفحه ۱۱۷-۱۳۴.

- Adie, J., & Wakefield, C. (2011). Perceptions of the teaching environment, engagement and burnout among University students on a sports-related degree programme in the UK. *Journal of Hospitality, Leisure, Sport and Tourism Education*, 10(2), 74-84.

- Ahola, K., & Hakanen, J. (2007). Job strain, burnout and depressive symptoms: A prospective study among dentists, *Journal of Affective Disorders*, 104: 103-110.

- Bresó, E., Salanova, M., & Schoufeli, B. (2007). In search of the third dimension of Burnout, *Applied psychology*, 56(3): 460-472.

- Brouwers, A., & Tomic, W. (2010). Alogitu, dinal study of teacher burnout and perceived self-efficacy classroom management, *Teaching and Teacher Education*, 16(2): 239-253.

- Bruce, S. P. (2009). Recognizing stress and avoiding burnout, *Currents in Pharmacy Teaching and Learning*, 1(1): 57-64.

- Galan, F., Sanmartin, A., Polo, J., & Giner, L. (2011). Burnout risk in medical students in Spain model in educational settings. *Personality and Individual Differences*, 50: 274-278.

- Maslach, C. (2001). Job Burnout, *Annual Review of Psychology*, 52(4): 397-420.

- Maslach, C., & Jackson, S.E. (2000). The measurement of experienced burnout, *Journal of Occupational Behavior*, 2(2): 99-113.

- Neuman, Y. (1990). Derrminants and conse quences of student, burnout in

- زمانی، بی بی عشرت؛ قصاب پور، بیتا؛ جبل عاملی، جلال (۱۳۸۹). بررسی نقاط قوت، ضعف، فرصتها و تهدیدهای فراوری مدارس هوشمند، فصلنامه نوآوری های آموزشی، ۱۳(۳۶): صفحه ۷۹-۱۰۰.

- سیف، علی اکبر (۱۳۹۴). روانشناسی پرورشی نوین، روانشناسی یادگیری و آموزش، تهران: نشر دوران.

- عبادی، رحیم (۱۳۹۰). فناوری اطلاعات و آموزش و پرورش، تهران: مؤسسه توسعه فناوری آموزشی مدارس هوشمند.

- عبدالوهابی، مرضیه؛ مهر علی زاده، یداله؛ پارسا، عبدالله (۱۳۹۰). امکان‌سنجی استقرار مدارس هوشمند در دبیرستان‌های دخترانه شهر اهواز، فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، ۱۱(۴۳): صفحه ۸۲-۱۱۲.

- عظیمی، محمد؛ پیری، موسی؛ زوار، تقی (۱۳۹۲). رابطه فرسودگی تحصیلی و یادگیری خود تنظیمی با عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان دوره متوسطه، فصلنامه پژوهش در برنامه ریزی درسی، ۱۰(۱۱): صفحه ۱۱۶-۱۲۸.

- میکائیلی، نیلوفر؛ افروز، غلامعلی؛ قلی زاده، لیلا (۱۳۹۱). ارتباط خودپنداره و فرسودگی تحصیلی با عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان دختر، مجله روان‌شناسی مدرسه، ۶(۴): صفحه ۹۰-۱۰۳.

- نصیری، فخرالسادات؛ قنبری، سیروس؛ اردلان، محمدرضا؛ کریمی، ایمان (۱۳۹۴). تأثیر کیفیت آموزش و خدمات آن بر تحلیل رفتگی آموزشی دانشجویان تحصیلات تکمیلی، فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی، ۲۱(۳): ۷۱-۹۵.

- نعامی، عبدالزهرا (۱۳۸۸). رابطه بین کیفیت تجارب یادگیری با فرسودگی تحصیلی دانشجویان کارشناسی

universities. *The journal of higher education*, 61(1), 20-3-

- Salmela- Aro, K., Savolainen, H., & Holopainen, L. (2008). Depressive symptoms and school burnout during adolescence, *Journal of Youth and Adolescence*, 6(1): 34-45.

- Salmela- Aro, K & Naatanen, P, (2005). PPI-10: *Nuorten kouluuupumusmenetelmä, Adolscenta schoolburnout method*, Helsinki,Finland, Edita.

- Santen, S. A., Holt, D. B., Kemp, J. D., & Hemphill, R. R. (2010). Burnout in medical students: Examining the prevalence and associated factors. *Southern Medical Journal*, 103, 758-763.

- Schaufeli, W., B, Maslach, C., & Marek, T. (2004). *Professional Burnout: Recent Developments in Theory & Research*, Washington: Taylor & Francis Press.

- Schaufeli, W.B., Martinez, I., Pinto, A.M., Salanova, M., & Bakker, A. (2002). Burnout and engagement in university students: A crossnational study, *Journal of Cross-Cultural Psychology*, 33(2): 464-481.

- Shawarzer, R., & hallume, S.(2008). Perceived teacher self-efficacy as a predictor of job stress and burnout : mediation analases, *applied psychology: an international review*,57(12):152-171.

Quarterly Journal of Educational Psychology

Islamic Azad University Tonekabon Branch

Vol. 9, No. 2, summer 2018, No 34



Journal of Educational
Psychology

Comparison survey the Academic burnout of usual and smart schools student in Sanandaj town

Ebrahim Aryani^{*1}, Bibi Eshrat Zamani², Hiro Soleiman³, Reyhaneh Abaspoor⁴, Behzad Moradi⁵

- 1) Doctoral Student of Educational Administration, University of Mohaghegh Ardabili, Ardabil, Iran
- 2) Assos Prof of Educational Sciences, University of Esfahan, Esfahan, Iran
- 3) M.A of Psychology. Faculty of Human Sciences, Azad University of Mahabad, Mahabad, Iran
- 4) M.A of Training and Upgrading of Human Resources, Group of Educational Sciences, Faculty of Education Sciences & Psychology, University of Mohaghegh Ardabili, Ardabil, Iran
kaniarsini57@gmail.com
- 5) M.A of Training and Upgrading of Human Resources, Group of Educational Sciences, Faculty of Education Sciences & Psychology, University of Mohaghegh Ardabili, Ardabil, Iran
Zhwan13@gmail.com

*Corresponding author: E.aryani@gmail.com

Abstract

This study was performed aimed to comparison evaluate of academic burnout of usual and smart schools students in Santander town. Methodology of research based on purpose: was applied research and based on analytical techniques: was descriptive research. The population consisted of all usual and smart high school students in Sanandaj town in the 1396-1395 academic year. The method was simple random sampling and by using Cochran model, 376 students were selected. To collect data Maslach Burnout (1984) Inventory was used. Then the data collected in the application environment Spss.v.22 entered and with two Independent t-test were analyzed. The results showed that there is no significant difference between the rate of burnout among students of ordinary and intelligent schools ($P>0.05$). Also between amounts of academic burnout of male and female students there is a significant difference ($P<0.05$). Regarding the findings of this research and considering the negative consequences of academic degeneration, school authorities need to take serious action on reducing students' academic burnout and pay attention to gender differences in students.

Key words: Academic burnout, Students, Usual schools, Smart schools
